

منیر سپاس

درین زمان که کسی دل نمی دهد به سخن
ترحم است بر آن طوطیی که گویا شد.
صائب تبریزی

یک نویسنده دو کتاب و چند سخن

"پژوهشی در گستره زبان و نقدی بر عوامل نابسامانی آن در افغانستان" و "آخرین و خورشور" دو کتابی اند که از قلم پر تلاش سالار عزیزپور نویسنده و پژوهشگر هموطن مان در این اواخر توسط انتشارات شاهنامه (هالند) به نشر رسیده اند.

چند سخنی در باره کُتب متذکره دارم از دیدگاه یک متفقد تا نقاد؛ زیرا برای نقد شعر بوطیقا و برای نقد اثر پژوهشی در زمینه زبان، زبان شناسی باید دانست ولی برای تفقد، همدلی و همنفسی باید داشت که این دومی را دارم.

میدانیم هر کس که چیزی می نویسد امید آن دارد تا نوشته و یا شعرش مورد توجه قرار گیرد، مردم در موردش صحبت کنند؛ نقد، تعریف و توصیفش کنند هیچ دلی بی امید نیست بدین ملحوظ تفقد را دست کم نباید گرفت.

در خور تذکر میدانم در غرب که شخصیت های انسان ها از روی سنگینی کیسه ها، ترازو میشوند، چند وطندار فرهنگ دوست ما پول خود را برای چاپ کتاب نویسنده و شاعر هموطنش خرچ میکند؛ جای نهایت سرور و شادمانی است که هزینه دفتر شعری آخرین و خورشور را آقای ادیس آشکارا و مصارف کتاب پژوهشی در گستره زبان را فرهنگ دوستان چون زمی پاییز، ولی بارز، ادیس آشکارا، خالقی و ضیا عیار پرداخته اند؛ زیرا از بخت بد در بین حوالی مرجع و منبع و انجمنی نیست تا دست نویسنده را بگیرد و کتابهایش را چاپ کند و به خواننده گان عرضه کند.

آخرین و خورشور دفتر شعر است که با ۴۱ عنوان شعر در برگیرنده سروده های سالار عزیز پور در انواع، اوزان و مضامین مختلف میباشد. زبان شعر سالار عزیز پور در این مجموعه یک دست نیست گاه کهن و گاه همگام با زبان روز همسفر میشود؛ از لابلای سروده های عزیزپور بوی عشق بی بدیل او به زبان پارسی به مشام میرسد؛ انتخاب و کار برد واژه ها به خواننده این عشق را آشکار میکند در صفحه ۱۶ زیر عنوان لبخند سبز می نویسد:

من از تبار مهر خراسانیم هنوز
آن شب چراغ شاعر یمگانیم هنوز

بر آخرین و خورشور، شاعر گرامی شبگیر پولادیان پیشگفتاری نوشته است که معرف قلم و توانایی شعری عزیز پور است.
آخرین و خورشور را سالار عزیزپور به شاعر نام آشنا و ادیب فرهیخته استاد واصف باختری اهدا نموده است.

برای نقد آخرین و خوشور قلم نا توان، فهم نارسا و این سواد نیمه ام در شعر نشانی درستی نیست؛ فرزندگان بوطیقای شعر صلاحیت نقد شعر را دارند منظور من تنها معرفی بود و بس. کتاب "پژوهشی در گستره زبان و نقدی بر عوامل نا به سامانی آن در افغانستان" یک کتاب جدی در عرصه زبان است در اصل مجموعه مقالات عزیزپور در مورد زبان که قبلاً در سایت های انترنتی آرپایی، فردا، کابل ناتهد و دیگر نشرات به نشر رسیده بود، میباشد.

کتاب بازتاب دهنده ی تلاش نویسنده برای بهبودی زبان فارسی دری در افغانستان است. این اثر در بحث جدی را برای مان باز میکند؛ تنها عناوین مقاله ها را برهان میاورم «رد و بطلان انگیزه های سیاسی در نامگذاری زبان ها، برزخ غربت و مشکلات زبانی، جدال بر سرواژه ها و پیامد های پژوهشی آن، نقدی بر عوامل نابسامانی زبان در افغانستان، جستاری پیرامون فارسی دری و توانایی علمی و پژوهشی آن، کژتابی ها و ناهنجاری های نگارشی، زبان فارسی و نابسامانی های تلفظی آن و چشم اندازی فراسوی حجاب های زبان.»

عزیزپور در این کتاب می نویسد که چرا برای یک زبان چند نام گذاشته اند، تنها کاربرد واژه و تلفظ ساکنان سرزمینهای فارسی گوی دلیلی بر چند زبان بودن یک زبان نمی شود. این کتاب دارای محتوای خوب و نثر عام فهم و روان است اغلاط طباعتی نیز به چشم میخورند که تقصیر عزیزپور نیست.

در هر دو کتاب عزیزپور، سخنی برای گفتن و حرفی برای نوشتن دارد؛ باری گفته بودم:

ای شعر و قلم بمان کنارم این دل چه کند فسانه دارد

که این بیت مستوجب حال و احوال سروده ها و نوشتار های عزیز پور نیز میگردد. با همین نبشته ی مختصر نشر این کتابها را برای عزیز پور تهنیت گفته برایش موفقیت های بیشتر از دربار صاحب قلم و کلام آرزو میکنم.

منیر سپاس بهار سال ۱۳۸۵